

سلطان هروئین به اعدام محکوم شد

رئیس کل دادگستری استان فارس اعلام کرد که حکم متهم پرونده سلطان هروئین صادر و این فرد به اعدام محکوم شده است.

به گزارش ایسنا، حجت الاسلام سید کاظم موسوی، یکشنبه دوم تیر ماه به خبرنگار گفت: حکم پرونده سلطان هروئین به جرم خرید و فروش ۱۷۰۰ کیلوگرم هروئین صادر شده است. وی با بیان این که اتهام این فرد، افساد فی الارض و حکم صادر شده برای او اعدام در ملاء عام بوده است، افزود: این حکم در مرحله فرجام خواهی قرار دارد و در زمان مقرر از طریق رسانه ها اطلاع رسانی خواهد شد.

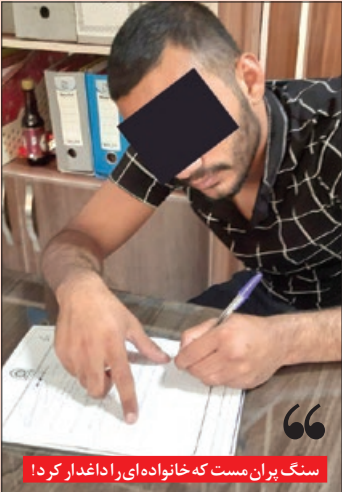
موسوی همچنین گفت: یکی از پرونده های مهم تحت رسیدگی در دادسراهای استان فارس، سرقت مسلحانه از آرایشگاه های زنانه بود که متهمان آن با هوشتیاری پلیس دستگیر شدند و در بازجویی های مقدماتی به ۲۴ فقره سرقت، اعتراف کردند. وی با بیان این که کیفرخواست این پرونده خرداد امسال صادر شده است، تعداد متهمان این پرونده را سه نفر اعلام و اضافه کرد: اتهام این افراد، محاربه از طریق مشارکت در بیش از ۲۴ فقره سرقت مسلحانه همراه با ایجاد خوف و ناامنی و وحشت در محیط و منطقه است. موسوی ادامه داد: دستگاه قضا در خصوص جرایمی که ابعاد مختلف امنیت جامعه و شهروندان را با مخاطره مواجه کند، بی تفاوت نیست و واکنش های قانونی و متناسبی نشان خواهد داد. رئیس کل دادگستری استان فارس یکی از مهم ترین جرایمی را که مد نظر دستگاه قضایی قرار دارد، جرایم اقتصادی دانست و تاکید کرد که دادگاه مربوط به این جرایم در شعبه ویژه به شکل علنی برگزار شده است.

مرگ موتورسواران در تعقیب و گریز محیط بانان

توکل - رئیس کل دادگستری استان کرمان در تشریح پرونده محیط بانان محیط زیست در پارک ملی خبر بافت گفت: گزارش های رسیده نشان دهنده آن است که ماموران محیط زیست استان کرمان نیمه شب در حوزه پارک ملی خبر با دو موتورسوار و یک خودروی سواری مواجه شدند که با در دست داشتن پروژکتور به منظور شکار آهو، وارد این شکارگاه شده بودند. به گزارش خبرنگار ماموحدافزود: ماموران محیط زیست به تعقیب این افراد پرداختند که شکارچیان با اسلحه شکاری تیراندازی کردند، در این حین سرنشینان موتورسیکلت که دو برادر بودند، به واسطه سقوط از روی موتور جان خود را از دست دادند. وی تاکید کرد: بر اساس این گزارش، مشخص است که این افراد به دلیل تیراندازی ماموران کشته نشده اند و در این باره کار تحقیقاتی از سوی دادستان و بازپرس در حال انجام است. این مقام ارشد قضایی یادآور شد: در نهایت چون این افراد در مقام ضابط و نیروی مسلح اقدام کرده اند، پرونده آن ها با عنوان جرایم سازمان قضایی نیروهای مسلح مطرح شده که این پرونده به لحاظ این که این حادثه در مرز استان هرمزگان رخ داده بود، به سازمان قضایی نیروهای مسلح استان هرمزگان ارجاع شده و در دست رسیدگی است و احتمال برگشت این پرونده به کرمان بر اساس مقررات جاری نیز وجود دارد. وی خاطر نشان کرد: متهمان این پرونده که خودنیز زخمی شده اند، با قرائن و تئیه آزاد هستند.

سارق حرفه ای باتری خودرو در چنگ قانون

ساجدی - رئیس پلیس مشهد از دستگیری یکی از عاملان اصلی سرقت باتری خودرو در محدوده بولوار مصلای مشهد خبر داد. سرهنگ اکبر آقا بیگی گفت: مر حله دیگری از طرح تشدید مقابله با سرقت های بامدادی با محوریت شناسایی و دستگیری عاملان سرقت های سرپالی باتری خودرو و راه سازی سواری در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی افزود: تیم های دایره تجسس کلانتری ۱۷ مصلی، در اجرای این ماموریت ضربتی با توجه به سرنخ هایی که در دست داشتند، یکی از عاملان این سرقت ها را شناسایی کردند و تحت تعقیب قرار دادند. رئیس پلیس مشهد گفت: ماموران کلانتری مصلی، ساعت ۱۳مرداد امروز پس از کنترل مراقبت های پوششی، برای دستگیری این متهم که در حال ارتکاب سرقت بود، وارد عمل شدند. وی خاطر نشان کرد: متهم پرونده با خودروی سواری پراید خود متواری و عملیات تعقیب و گریز آغاز شد. سرهنگ آقابیگی گفت: ماموران انتظامی با تیراندازی خودروی پراید را متوقف و متهم ۲۳ ساله را دستگیر کردند. وی اظهار کرد: از خودروی سواری پراید چهار عدد باتری مسروقه کشف شد و تیم دایره تجسس کلانتری مصلی، مالخر اموال مسروقه را نیز شناسایی و دستگیر کردند. سرهنگ آقابیگی گفت: تحقیقات از متهمان پرونده ادامه دارد.



سنگ پرن مست که خانواده ای را داغدار کرد!

عکس: سید علی حسینی

داستان آشفته زندگی سنگ پرن مست چگونه به قتل گره خورد؟

قصه تلخ آسنا کوچولو!

سجاد پور - جوان ۲۲ ساله ای که پس از مصرف مشروبات الکلی در جشن تولدش، وارد خیابان های شهر شده و با سنگ پرانی به سوی خودروها، دختر بچه دو ساله ای را در آغوش مادرش به قتل رسانده است، زوایای دیگری از زندگی آشفته اش را در گفت و گویی یک ساعته با خبرنگار خراسان بازگو کرد. آن چه می خوانید حاصل این گفت و گو با سنگ پرن مست، پشت میله های بازداشتگاه است.

بعد از ترک تحصیل به دنبال شغلی هم رفتی؟ بله! خیلی شغل ها را تجربه کردم مانند کاشیکاری، آرایشگری، جوشکاری، صافکاری و...
خدمت سربازی را گذرانده ای؟ بله! به تازگی خدمتم تمام شده بود به همین دلیل سعی کردم که جشن تولدم را با جشن پایان خدمت یکی کنم!
در آمدت را چگونه خرج می کردی؟ بیشتر با دوستانم به تفریح و گشت و گذار می رفتم، یعنی همه پول ها را خرج خودم و دوستانم می کردم! انواع لباس ها می خریدم و...
رفیق باز بودی؟ نه خیلی زیاد!
در کدام محله مشهد زندگی می کردی؟ آن زمان در محله بحرآباد بودم.

با دوستانت مشروب می خوردی؟ قبلا خیلی کم مشروب می نوشیدم، با دوستانم به منطقه کوهسنگی یا پارک ملت مشهد می رفتمیم و آن جا چایچین کباب می کردیم! گاهی هم مشروب می خریدم!
در جشن تولدت چه اتفاقی افتاد؟ آن شب همه بستگان را به منزل پدر بزرگم در بولوار اندیشه قاسم آباد دعوت کرده بودم، مادر هم از شمال آمده بود تا در جشن پایان خدمت سربازی و تولدم شرکت کند، من هم مقداری مشروب از داخل بطری نوشابه خانواده ریختم و نوشیدم به طوری که از حال طبیعی خارج شدم!

بعد از آن چه کردی؟ حدود ساعت ۱۱ شب بود که با مشتب به ساعت کویدم و آن را خرد کردم، مادرم خواست جلوی مرا بگیرد که از منزل بیرون زدم و یکی از دوستانم تماس گرفتیم تا به سه راه دانش بیاباد ما او کار داشت و با دوست دیگرمان قرار گذاشتیم.

چه شد که سنگ پرانی کردی؟ حال خودم را نمی فهمیدم، وقتی از پل هوایی به آن سوی بزرگراه عبور کردم سنگی را برداشتم و به طرف خود و های عبوری پرت کردم که بعد فهمیدم سنگ از شیشه خودرو به سر دختر دو ساله ای خورده است که در آغوش مادرش قرار داشت!
فرار کردی؟ در آن سوی خیابان با نگهبانان سنگبری درگیر شدم و آن ها از کارت ملی من عکس گرفتند. در همین موقع به دوستم رنگ زدم که نگهبان سنگبری با او صحبت کرد.
دوست ات با لخره آمد؟ بله! میلادن دمن آمد و مرا به پارک برد تا صبح آن جا بودم و بعد وقتی از طریق دوست دیگرم فهمیدم که کودک دوساله با سنگ پرانی من کشته شده است، به خانه رفتم تا با مادرم به شمال کشور بروم!



دوست ات از کجا ماجرای مرگ آسنا کوچولو را فهمیده بود؟ او قرار بود کارت های عروسی اش را برای پنج شنبه توزیع کند! او به آتلیه ای رفته بود که متعلق به عموی آن دختر کوچک بود! او ماجرای سنگ پرانی را برایش بازگو کرده بود! دوستم نیز که از شب گذشته در جریان سنگ پرانی من قرار داشت موضوع را به من گفت.

بالاخره به شمال کشور گریختی؟ بله! هر اسان به خانه آمدم و ماجرا را برای مادرم تعریف کردم سپس به او گفتم و سایلش را جمع کند تا به شمال برویم! ولی زمانی که با اتوبوس در حال حرکت بودیم، ناگهان کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی را بالای سرم دیدم و فهمیدم که دیگر راه فراری ندارم!

سابقه خبر

ماجرای این حادثه وحشتناک او اواخر خرداد گذشته هنگامی در مشهد رقم خورد که جوان ۲۲ ساله ای پس از نوشیدن مشروبات الکلی به خیابان آمد و به سنگ پرانی پرداخت. در این میان یکی از سنگ ها با عبور از شیشه یک خودرو به سر دختر دو ساله ای به نام آسنا خورد که در آغوش مادرش قرار داشت. مادر آسنا هر اسان و وحشت زده او را به مرکز درمانی رساند اما دیگر در شبر شده او جان خود را از دست داده بود. این گونه بود که با سیاه پوش شدن یک مادر، پرونده ای در اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی تشکیل شد و گروهی از کارآگاهان با دستور سرهنگ حسین بیات مختاری (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) در حالی مامور رسیدگی به این پرونده جنایی شدند که قاضی علی اکبر احمدی نژاد (قاضی ویژه قتل عمد) دستورات مجرمانه ای را برای دستگیری متهم با استفاده از شگردهای تخصصی و اطلاعاتی صادر کرده بود. گزارش خراسان حاکی است، با دستگیری متهم در جاده شمال کشور، تحقیقات بیشتر توسط سرگرد حمیدفر (افسر پرونده) ادامه دارد.

باند سازمان یافته فروش سوالات کنکور متلاشی شد

در برخی موارد هم پس از دریافت پول به هیچ عنوان سوالی ارسال نمی کنند. خانواده های دانش آموزان نیز همواره در فضای مجازی از فرزندان خود مراقبت کنند و آگاهی های لازم را در این خصوص به آنان بدهند. وی در پایان اظهار کرد: پلیس فتا به صورت شبانه روزی آماده پاسخ گویی به شهروندان است و کاربران می توانند مشکلات خود را در خصوص فضای مجازی با مراجعه حضوری و همچنین با استفاده از سایت پلیس فتا به آدرس www.Cyberpolice.ir بخش مرکز فوریت های سایبری، لینک ثبت گزارش های مردمی با مادر میان بگذارند.

نوروزی اضافه کرد: در تحقیقات به عمل آمده مشخص شد متهمان با ترغیب فروش سوالات کنکور و امتحانات نهایی حدود ۹۰۰ میلیون ریال از طعمه های خود کلاهبرداری کرده اند. به گزارش سایت پلیس، وی ضمن تاکید بر این که خرید و فروش سوالات امتحانی قبل از برگزاری آن مون در فضای مجازی جرم است و پلیس فتا با عاملان آن برخورد قانونی می کند، گفت: دانش آموزان به هیچ عنوان فریب تبلیغات جذاب و اغوا کننده را نخورند زیرا مجرمانه با این شگرد طعمه های خود را به درگاه جعلی هدایت می کنند یا سوالات امتحانی سال های گذشته را ارائه می دهند.

امتحان نهایی و با در اختیار گرفتن اطلاعات بانکی دانش آموزان، اقدام به برداشت های غیر مجاز از حساب های بانکی قربانیان می کنند. وی در ادامه از متلاشی شدن یک باند کلاهبرداری با عنوان فروش سوالات امتحانی خبر داد و گفت: با پایش های به عمل آمده در استان های شمال غربی کشور مشخص شد، افرادی با راه اندازی کانال های تلگرامی در قالب فروش سوالات کنکور و امتحانات نهایی اقدام به کلاهبرداری از مردم می کنند. پس از تلاش گسترده ماموران پلیس و بررسی های فنی و تخصصی، دونفر در این زمینه شناسایی، دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شدند.

رئیس مرکز مبارزه با جرایم ملی و سازمان یافته پلیس فتا ناچا از متلاشی شدن یک باند کلاهبرداری ۹۰۰ میلیون ریالی خبر داد که از طریق راه اندازی کانال های تلگرامی با عنوان فروش سوالات اقدام به کلاهبرداری می کرد. به گزارش ایسنا، سرهنگ مصطفی نوروزی با اشاره به این که آمار بازدید از سایت ها و صفحات مشاوره درسی، دانلود سوالات کنکور، مشاوره روان شناسی و... در این روزها روندی رو به افزایش دارد، اظهار کرد: در چنین شرایطی یکی از شگردهای افراد سودجو، طراحی صفحات و درگاه های بانکی جعلی به نام «فیشینگ» است که با ترغیب فروش سوالات

دستگیری ۲ شرور شهرک گلشهر مشهد

ساجدی - جانشین رئیس پلیس مشهد از دستگیری دو جوان سابقه دار که در محدوده گلشهر مشهد اوباشی گری می کردند، خبر داد. سرهنگ محمد طیبی گفت: در پی تماس تلفنی شهروندان با فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر شرارت و عریهه کشی دو جوان در یکی از خیابان های فلکه دوم گلشهر بلافاصله هماهنگی لازم به عمل آمد و تیم های کلانتری ۲۶ در محل حاضر شدند. وی افزود: ماموران انتظامی در اقدامی ضربتی و قاطعانه به شرارت های این دو جوان پایان دادند و

اوراق کر دن خودروی سرقتی در پوشش صافکار

رئیس کلانتری نبرد از دستگیری سارق سابقه داری که در تعمیرگاه صافکاری خود خودروها را اوراق می کرد، خبر داد. به گزارش ایسنا، سرهنگ جهانشاه تموری در این باره اظهار کرد: بر اساس اطلاعات رسیده و گزارش های دریافتی مشخص شد که مدتی است یکی از سارقان سابقه دار، یک صافکاری را در خیابان آتابک اجاره کرده و در پوشش آن در زمینه خرید و فروش اموال مسروقه فعالیت می کند. بر همین اساس رسیدگی به موضوع در دستور کار قرار گرفت. وی با اشاره به انجام

بررسی های نامحسوس از سوی ماموران گفت: شب گذشته ماموران برای کنترل نامحسوس به محل رفتند که مشاهده کردند درهای یک خودروی پراید جدا شده و در تعمیرگاه است که پس از استعلام پلاکش مشخص شد این خودرو دو شب گذشته در خیابان نبرد به سرقت رفته است. رئیس کلانتری نبرد افزود: متهم در لحظه دستگیری اعتراف کرد که محل را در پوشش صافکاری برای اوراق کردن خودرو اجاره کرده و قطعات آن را پس از جدا کردن به مالخران می فروخته است.

مهر اشک پای طلاق!

با غروری کودکانه و تحت تاثیر حرف های اطرافیانم که اگر از شکایتم صرف نظر کنم همسرم پررو می شود! بدون تفکر بر طلاق اصرار کردم تا این که او نیز نامه طلاق را به دستم داد و زندگی ام را ویران کرد تا جایی که اکنون... زن ۲۸ ساله در حالی که بیان می کرد، نمی خواهم دومین آشنایه ام را توان سهمگین دخالت و خیانت متلاشی کند، به کارشناس اجتماعی کلانتری الهیه مشهد گفت: ۱۴ ساله بودم که «آریا» به خواستگاری ام آمد. او به تازگی در یکی از نهادهای نظامی استخدام شده بود و در جنوب کشور خدمت می کرد اما پدرم معتقد بود اکنون شرایط من برای ادواج مناسب نیست به همین دلیل «آریا» چهار سال انتظار کشید تا این که به اصفهان منتقل شد و ما با برگزاری مراسم عروسی زندگی مشترکمان را آغاز کردیم آن جا بود که فهمیدم همسرم شب نشینی با دوستانش را با هیچ چیزی عوض نمی کند و به اصطلاح «رفیق باز» شده است. به همین دلیل توجه زیادی به من نداشت و من در یک شهر غریب از این موضوع رنج می کشیدم. وقتی ماجرا را برای پدرم بازگو کردم که با خنده گفت: اوایل زندگی دل کندن از دوستان سخت است اما ما به دنیا آمدن فرزندت همه چیز تغییر می کند و همسرت نیز به عشق فرزندش بیشتر اوقات را در کنار خانواده اش می گذراند ولی با وجود آن که پسر یک ساله شده بود اما هیچ تغییری در رفتارهای همسرم ایجاد نشد. از سوی دیگر بسیاری از اطرافیانم مرا ترغیب به شکایت از شوهرم می کردند. من هم با تفکری کودکانه در حالی از «آریا» شکایت کردم که پدرم معتقد بود زن خوب باید هزاران عیب شوهرش را پنهان کند و گوش به حرف های سخن چینان ندهد.

در این شرایط همسرم که متوجه خواسته های من شده بود، قول داد رفت و آمد با دوستانش را قطع کند و از زندگی گذشته بیرون بیاید ولی من باز هم با تحریک اطرافیانم بر شکایت خودم پافشاری کردم تا این که آریا نامه طلاق را به دستم داد و دوباره به جنوب کشور بازگشت. با رفتن او متوجه اشتباهم شدم و گریه کنان به پدرم پناه بردم اما قلم مهربان او که طاعت گریه های مرا نداشت از حرکت ایستاد و به خاطر سکنه قلبی جان سپرد. مدتی بعد نیز مادرم دچار بیماری سختی شد و من زنی را برای ازداد خودم متلاش استخدام کردم. «کبری خانم» پسر ۲۲ ساله ای داشت که گاهی برای انجام کارهای سنگین منزل به کمک مادرش می آمد و با پسرم بسیار مهربان بود. در این شرایط کبری خانم مرا برای پسرش خواستگاری کرد من هم که احساس می کردم «عرفان» شاهین خوشبختی زندگی من است، با فروش ارثیه پدرم خانه ای برای خودم و یک دستگاه وانت یخچال دار برای همسرم خریدم که در یک شرکت فروش مواد پودرینی استخدام شده بود. با وجود این عرفان «سربستی پسرم را قبول نکرد و من به ناچار او را به مادرم سپردم. در همین حال به دنیا آمدن پسر و دخترم دیگر مرا از محبت های عرفان به من به پایان رسید چرا که از عهده مخارج سنگین زندگی بر نمی آمد. به ناچار یک دستگاه پژو خریدم و برای کمک به تامین هزینه های زندگی به مسافرتی پرداختم. مدتی بعد با مرگ مادرم مجبور شدم پسر مرا که دیگر ۱۸ ساله شده بود، نزد خودم بازگردانم ولی این موضوع بهانه ای را برای تشدید اختلافات ما شد. عرفان همواره از ادواج بازنی مطلقه ابره خیم می کشید و نزد دیگران تحقیر می کرد در حالی که می دانستم باز نی دیگری از بنات نامتعارف دارد. با آن که همه ارثیه ام را برای کسب رضایت عرفان و خانواده اش هزینه کردم اما آن ها همه رضایتم را بی ارزش می پندارد. کاش از همسر اول جدا نشده بودم تا این گونه در مخمصه دیگری قرار نمی گرفتم. شایان ذکر است، به دستور سرهنگ توفیق حاجی زاده رئیس کلانتری الهیه مشهد) این پرونده در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری مورد رسیدگی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

بخشش پای چوبه دار

توکل - او لویای دم با گذشت در پای چوبه دار جان و زندگی دوباره به زندانی ۲۶ ساله محکوم به قصاص بخشیدند. مدیر زندان مرکزی کرمان گفت: با پیگیری کارگروه صلح و سازش زندان مرکزی، محکوم به قصاص با گذشتن از شکنجه های زندان دوباره بازگشت. به گزارش خبرنگار ما، روشان افروز: مددجو با نام علیرضا- الف، ۲۶ ساله، به جرم قتل عمد از سال ۱۳۹۰ در زندان مرکزی کرمان بود که در آستانه اجرای حکم قصاص در پای چوبه دار بازضایت خانواده مقتول از مرگ نجات یافت.